



ح.حارث

## نخستین یاد روز اول می

اول ماه می روز همبسته گی زحمتکشان جهان است. این روز که با خواسته های حد اقل کارگران در اواسط قرن نوزدهم از استرالیا آغاز و بارسیدن به قاره آمریکا در دیگر قاره ها نیز گسترش یافت، نتیجه مبارزه طولانی طولانی تحمل رنج، مشقت و عذاب نسلهای بشری میباشد، که توسط افراد و گروه های فرادست جامعه تحت استثمار و ستم قرار گرفته بودند. این کتله های بزرگ انسانی با فروش نیروی کار خویش حد اقل معیشت زندگی را تأمین، خود و خانواده خود را از نابودی نجات داده و با دادن قربانیهای فراوان توانستند خواسته های برحق خویش را تحقق بخشند.

سرمایه داری با ماهیت غارتگرانه خویش همیشه تلاش نموده به خواسته های زحمتکشان جواب رد بدهد اما آنها با تظاهرات شدید، اعتصابها و دیگر حرکت های توده یی واکنش نشان داده و خواسته های ابتدایی خویش؛ مانند: هشت ساعت کار در روز، تعطیلات با معاش، پرداخت مزد مریضی، بیمه صحتی، رخصتی و لادی، حقوق بیکاری و بهبود شرایط کار ... را بالای کار فرمایان تحمیل نمودند. قرن حاضر که دوران صدور سیاست نیو لیبرالیزم و جهانی شدن سرمایه است اکثریت توده های محروم در زیر فشار حاکمیت رژیمهای فاسد و دست نشانده و تعرض و تسلط مستقیم کشور های سرمایه داری قرار دارند.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلاک شرق که روزنه امید برای زحمتکشان و نیروهای آزادیبخش بود، جهان در سمت تک قطبی قرار دارد، غارت منابع طبیعی کشورها، جنگهای خانمانسوز منطقوی، تجزیه کشورها، دامن زدن به مسایل قومی، زبانی و مذهبی، تجاوز مستقیم بالای کشورها و نابودی زیرساختهای آن از مشخصه های سیاست نیولیبرالیزم جهان سرمایه میباشد. همانگونه که سیستم سرمایه داری در مراحل مختلف تکامل خود دگرگون گردیده است، شرایط زنده گی کارگران یعنی کارگران صنعتی و تولیدی و همچنان لایه های مختلف اجتماعی که مصروف کارهای فیزیکی و فکری هستند، یعنی کارمندان امور خدماتی، آنهای که دارای اشتغال مؤقت اند و کسانی که در جستجوی کار اند یعنی نیروی کار خویش را به فروش میرسانند یا در بدل نیروی کار خود مزد بدست می آورند، در کشورهای سرمایه داری و کشورهای عقب نگهداشته شده نیز دگرگون گردیده، این لایه ها نیز توسط سرمایه دار استثمار و شامل طبقه های زحمتکش جامعه میگرددند.

تلاش در جهت شکل و همبسته گی این لایه های مختلف اجتماعی یکی از وظایف نیروها و احزاب مترقی کشورهای تحت سلطه حکومتهای ارتجاعی و رژیمهای سرمایه داری میباشد. وضع سیاسی- اقتصادی که در جهان امروز مسلط است، کارگران و زحمتکشان را در تنگنای شدید اجتماعی - اقتصادی قرار داده اند، طی سال جاری مظاهره ها و اعتصابها در آلمان، مکزیک، لندن، بوداپست، دنمارک، بولیوی، بنگله دیش و دیگر کشورهای جهان، نشانه بیکاری، بیخانه گی و شرایط سخت تأمین احتیاج های اولیه کارگران و خانواده های شان میباشد. شرایط زنده گی زحمتکشان در اکثر کشورهای قاره های آسیا، افریقا و امریکای لاتین فاجعه بار است. عواید روزانه اکثریت فامیلها درین کشورها به یک دالر میرسد. اعضای خانواده ها از تأمینات صحی، آموزش و پرورش و دیگر خدمات اجتماعی محروم اند.

کارگران و زحمتکشان امتیازها و دستآورد های را که طی مبارزه های طولانی در بدل خون و حیات خویش بدست آوردند، امروز با یورش و آقا بودن سرمایه در جهان دارند از دست میدهند. باور کامل وجود دارد که زحمتکشان جهان با شرایط نا به سامان زنده گی اقتصادی- اجتماعی با درک آگاهی طبقاتی و پی بردن به منافع مشترک ایشان «از طبقه در خود» به «طبقه برای خود» به آگاهی انقلابی رسیده و به پیروزیهای دست خواهند یافت.

طبقه ها و اقشار زحمتکش جامعه افغانی نیز نمیتوانند از جریانهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی جهان بی تأثیر بمانند. مظاهره ها، مارشها و اعتصابهای کارگران افغانستان صفحات درخشان تاریخ جنبش چپ افغانی را تشکیل میدهد، جنبش چپ افغانی، رزم این پیکار جویان دلیر و با شهامت را هیچگاهی فرا موش نکرده درج تاریخ زرین خویش خواهند ساخت. کارنامه های شان ماندگار است.

حوادث سه دهه اخیر، هجوم قوای نظامی غرب و نفوذ نیو لیبرالیزم، سیستم اقتصاد بازار آزاد، نفوذ شبکه های مافیایی، حاکمیت ارتجاع جهادی، زرع و قاچاق مواد مخدر، دامن زدن مسایل قومی و زبانی و بالاخر ویرانی تمام زیرساختهای اقتصادی و فرهنگی کشور، باعث زنده گی فلاکتبار و محرومیت شدید اقشار زحمتکش جامعه ما از ابتدایی ترین نیاز های انسانی گردیده است. بهبود شرایط زنده گی زحمتکشان، مبارزه پیگیر و تحولات عمیق اجتماعی - اقتصادی، زوال تکنوکراتهای فاسد، مافیای مواد مخدر و جنگ سالار را میطلبد. رسالت تاریخی نیرو های مترقی و دموکرات کشور است تا با تشکل خویش به مثابه یک سازمان گسترده قوی چپ - دموکراتیک شامل وضع سیاسی کشور گردند و به خاطر تحقق مطالبه های زحمتکشان برزمنند. نهاد های سیاسی - اجتماعی زحمتکشان را ایجاد نمایند، بمنظور تشکل آنها و رسیدن به خواسته های سیاسی - اقتصادی شان بمثابه لوکوموتیف جامعه عمل نمایند. چپ افغانی در حال تشکل است با تحلیل و بررسی علمی از وضع کشور، منطقه و جهان بدون شتاب بسوی افقهای روشن آینده به جلو در حرکت اند.

پیروز باد همبسته گی زحمتکشان